

شبى از شبها با.... زير باران بودم

احمد ابراهيم

شبى از شبها
با... زير باران بودم
مهربانى بيايد
"مهربانى بيايد"
به مسافت مستقيم
آه فخر از غريب افتاده!
پادشاهى در مقامات شاي بسيار
صبح با خود گزافتم
.....

www.ketab.ir

شبى از شبها با... زير باران بودم

احمد پدram

نشر شهيد حسين فهميده

مدیر مسئول: عبدالرسول ملک احمدی

مدیر تولید: مرتضی قاسم پور

حروف نگار: ترانه پدram

ویراستار: رقيه منصوری بنی

صفحه آرا: میرفندرسکی

طرح روی جلد: احسانه فریدی زاده

نوبت چاپ: اول / بهار ۸۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحات / قطع: ۶۴ / رقی

لیتوگرافی: پارسا

چاپ: رضوی

صحافی: سلام زاینده رود

شابک: 978-964-2537-77-8

بهاء: ۱۰۰۰ تومان

سرشناسه: پدram, احمد, ۱۳۳۵- عنوان و نام پدید آور: شبی

از شبها با... زير باران بودم / مجموعه شعر احمد پدram

مشخصات نشر: اصفهان: شهيد حسين فهميده, ۱۳۸۶

مشخصات ظاهري: ۶۴ص شابک: ۸-۷۷-۲۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعيت فهرست نویسی: فیفا موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۲ ش ۴۲۶ د / PIR ۷۹۸۲

رده بندی دیویی: ۶۲ / ۸۴ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۶۸۴۹۲

اصفهان: میدان شهدا - خیابان کاوه - روبروی پایانه بابلدشت

کتابسرای سلام ۰۸۲-۳۳۹۰-۳۳۶۴۷۴۷-۳۱۱

پیش از روانشناس شدنم، وقتی که نوجوان بودم، گاهی به دنبال ارسال شعری برای مجله یا روزنامه‌ای، با نشاطی کودکانه حریصانه حروف سربی صفحه‌های شعر را می‌بلعیدم تا به «نامه‌های رسیده» برسم. شغف دیدن شعرم در مجله‌های کودکانه و نوجوانان و جوانان و گاه هفته نامه‌های بزرگسالان، بال و پر می‌داد. امروز بیش از آنکه شاعر باشم روانشناس شده‌ام و این قصه گاه آزارم می‌دهد و بال و پر را می‌شکند.

آن وقت‌ها بی‌آنکه بدانم می‌دانستم که شعر جریانی روان و جویباری است که از سرچشمه‌ی گره خوردگی عاطفه و خیال می‌آید و من با حسی کودکانه بزرگوارانه می‌نوشتم و امروز نگرانم که چقدر دچار ایست‌های فکری و عاطفی خود می‌شوم.

مجموعه‌ی حاضر که «شبی از شب‌ها» یش را از «محمد زهری» گرفته‌ام بازتاب لحظه‌هایی است که ترکیب هر دو برهه‌ی فوق است، گاه می‌دانم و گاه نمی‌دانم و آینه‌ها گاهی رازهایی را در بی‌قراری‌ها می‌گویند که در کار روائشناختی خود تا حدودی دریافتم که بسیاری را با این آینه‌ها رازی است.

هیچ حرف دیگری برای گفتن ندارم، چراکه معتقدم خودشناسی هم چون کوچه باغی بی انتهاست که ژرفا و پهنای آن را مرزی نیست،

مقدمه

فقط شهامت به خرج داده‌ام که این مجموعه چاپ شود، شاید بازتاب بخشی است که در روانشناسی جرئت آموزی داریم، که از کاستی‌ها نترسم و از انتقاد و حتی رانده شدن.

آنچه حاصل همین بی‌قراری‌هاست پیش روی شماست «تا خود چه افتد و چه در نظر آید». با شعری از آموزگارم محمد فریدی‌زاده (فرید) که هم شاعر است و هم روانشناس آغاز را به پایان می‌رسانم.

روانشناسم و غافل ز حال خویشتم

روانشناس بدین گونه دیده‌ای که منم

اسیر ظلمت نا آشنایی خویشم

سراب روشنی ام چلچراغ انجمنم

احمد پدram

Ahmad - Pedram 1335 @ yahoo . com